فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۰
Journal of Research on Addiction, Vol. 5, No. 17, Spring 2011

مقاله پژوهشی
Research Article

اثربخشی آموزش مهارت های تفکر انتقادی بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر

افسر خلیلی[۱]، فرامرز سهرابی[۲]، محمدحسن رادمنش[۳]، مهدی افخمی اردکانی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش نسبت به مواد مخدر در دانش آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد بود. **روش:** طرح پژوهش از نوع آزمایشی با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری در این طرح کلیه دانش آموزان پسر سال اول مقطع دبیرستان شهرستان یزد هستند که در دو ناحیه آموزش و پرورش در سال ۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بودند. پس از انتخاب یک دبیرستان پسرانه و جایگزینی تصادفی آزمودنی‌ها به دو گروه آزمایش (۲۰نفر) و کنترل (۲۰نفر)، پرسشنامه نگرش نسبت به مواد مخدر در مورد هر دو گروه اجرا شد. گروه آزمایش، آموزش تفکر انتقادی را در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هر هفته یک جلسه دریافت کردند. در گروه کنترل هیچ متغیری اعمال نشد و آن‌ها در انتظار آموزش ماندند. پس از اجرای مداخله آموزشی، از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. سپس از تحلیل کواریانس و آزمون لوین برای تحلیل استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق بیانگر این مطلب است که پیش فرض همگنی شیب‌ها و همگنی واریانس‌ها تأیید می گردد. معناداری F کوواریانس در سطح ($P \leq ۰/۰۵$) نشان می‌دهد که آموزش تفکر انتقادی تاثیر گذار است. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که آموزش تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوءمصرف مواد، مؤثر بوده است.

کلید واژه‌ها: مهارت تفکر انتقادی، نگرش، نگرش نسبت به مواد مخدر، سوء مصرف مواد

۱. کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی
۲. دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی
۳. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، رئیس گروه آموزش پیش دبستانی و دبستانی استان یزد
۴. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه تهران. پست الکترونیک: afkhami_ard@yaho.com

مقدمه

بی‌تردید اعتیاد به مواد مخدر یکی از بلایایی است که همه‌ی انسان‌ها به ویژه جوانان را تهدید می‌کند. مثلث «فقر، جهل و اعتیاد»، پویائی، بالندگی، نشاط و خلاقیت را از بعضی جوانان گرفته و از آن‌ها انسان‌هایی بیمار و بی خاصیت ساخته است. افزون بر آن، اعتیاد، ناهنجاری‌های روانی و عوارض جسمی در پی داشته و هزاران انسان را به کام مرگ فرستاده است. در ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و داشتن نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با دو کشور افغانستان و پاکستان که سالانه بیش از ۳۵۰۰ تن مواد مخدر تولید می‌کنند و همچنین جوان بودن جمعیت کشور شاهد گسترش روز افزون اعتیاد در بین نوجوانان و جوانان هستیم. آمارهای موجود نشان می‌دهند که حدود ۱۶ درصد از معتادین ایران کمتر از ۱۹ سال سن دارند و ۲۸ درصد آن‌ها بین ۲۰ تا ۲۴ سالگی به اعتیاد روی می آورند (برقی، ۱۳۸۱).

با عنایت به این یافته‌ها، دوره نوجوانی را می‌توان یکی از مهم‌ترین دوره های زندگی یک فرد و یک روند منحصر به فرد دانست. این دوره یک زمان بحرانی رشد و نمو است که از نظر جسمی و روانی تحولات بسیار عمیقی در فرد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود نظم جسمانی و روانی نوجوان به هم بخورد. نوجوانان در این دوره از لحاظ عاطفی نارس، از نظر تجربه محدود و از نظر اجتماعی بسیار شکننده و تأثیرپذیر هستند.

در ادبیات علمی معاصر، کمتر کسی از صاحب نظران اعتیاد وجود دارد که درمان یک بعدی؛ چه صرفاً دارویی و چه صرفاً غیر دارویی را به عنوان درمان اعتیاد پیشنهاد کند، بلکه ترکیبی از آن‌ها را ضروری می‌داند. با این حال مؤثرترین درمان ها نیز عود بالایی داشته‌اند. در چنین شرایطی پیشگیری به طور منطقی جایگزین می‌شود. هدف از پیشگیری به تأخیر انداختن یا جلوگیری از شروع استفاده از مواد مخدر در جامعه است. یکی از روش‌های پیشگیرانه در برابر مصرف مواد مخدر، آگاه‌سازی افراد در مورد خطرها و مضرات مواد مخدر، اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر است (خلیلی، ۱۳۸۷).

درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمـانی جـامعی با رویکردهای مختلف دارو درمانی، روان درمانی و بازپروری را می طلبـد. تأکیـد افراطـی بر یکی از جنبه‌ها و رهـا سـاختن سـایر مـوارد بـا شکسـت درمـان و عـود بـالا همـراه اسـت (بوتوین و بوتوین[1] ۱۹۹۷، به نقل از عبد ا... پور، ۱۳۸۷).

به عقیده فیش بین[2] (۱۹۶۷)، مصرف مواد مخدر تحت تأثیر نگرشی است کـه نوجوانـان به مواد دارند. از یـک سـو شـکل گیـری نگـرش مثبـت یـا منفـی ناشـی از ترکیـب دانـش، اطلاعات، باورها و عواطف نوجوانان درباره مواد مخدر و از سوی دیگر میـزان ارزشـمندی که آن‌ها برای مواد قائل هستند نحوه‌ی نگـرش آن‌هـا نسـبت بـه مـواد را تشـکیل مـی‌دهـد. موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحـث روان شناسـی از جملـه روان شناسـی اجتمـاعی، شناختی و... مورد نظر بوده است و روان شناسان معتقدند که میان نگرش افـراد، عملکـرد و رفتارشـان رابطـه ای مسـتحکم وجـود دارد و افـراد بـر اسـاس نـوع بـاوری کـه نسـبت بـه مواد مخدر دارند، یا به مصرف آن روی مـی آورنـد و یـا ایـن کـه مصـرف مـواد را تـرک می‌کنند. ایزر[3]، استفن[4] و مـالاری[5] (۱۹۷۸) تحقیقـی را در زمینـه تـأثیر نمـایش بـر اسـتعمال مواد مخدر انجام دادند که نشان می‌داد ایجاد نگرش منفی درباره اعتیاد و ترک آن در عده زیادی از مصرف‌کنندگان باعث درمان شده است. در تحقیقی که در کشور ژاپـن در زمینـه اعتیاد صورت گرفته است، عوامل مؤثر در تـرک اعتیـاد مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت. نتـایج نشـان داد کـه نگـرش نسـبت بـه مـواد مخـدر در میـزان موفقیـت در عـدم مصـرف مواد مخدر و عدم تداوم آن رابطه مثبت وجود دارد؛ همچنین بین پذیرش معنویت و نگرش نسبت به مواد مخدر رابطه مثبت یافت شد. بعلاوه بین پذیرش معنویت و تقلید مهـارت‌هـای مثبت و مؤثر در ایجاد ترک رابطه مثبت گزارش شد. (کندو[6] و همکاران، ۲۰۰۰، به نقـل از

1. Botvin & Botvin
2. Fishbein
3. Eiser
4. Staphen
5. Mallary
6. Kondo

از رئیسی، ۱۳۸۲). بنابراین، یکی از راه های کنترل تقاضا، تغییر نگرش افراد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. نگرش‌ها بخش اصلی هویت انسان و مرکز و محور روان شناسی اجتماعی هستند و بر رفتار، پردازش اطلاعات و رویارویی اجتماعی تأثیر گذاشته و بخشی از خود انگاره فرد را تشکیل می‌دهند (بوهنر[1] و وانک[2]، ۲۰۰۲).

آموزش مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری و مراحل حل مساله به صورت ایفای نقش باعث کاهش مصرف سیگار، الکل و سایر موادمخدر می‌شود (ارکارت[3]، ۱۹۹۱ به نقل از عبد ا.. پور،۱۳۸۷).

در رویکردهای جدید پیشگیری از اعتیاد یکی از راه های تغییر نگرش، آموزش برنامه مهارت‌های زندگی[4] است. مهارت‌های زندگی، یکی از راهبردهای متمرکز بر فرد بوده و تلاش می‌کند از طریق افزایش توانایی مقابله‌ای افراد، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش‌ها، کشمکش‌ها و ناملایمات زندگی روزمره ارتقا دهند. به عبارت دیگر افراد را در برابر مشکلات ایمن کنند. برنامه آموزش مهارت‌های زندگی توسط گیلبرت، جی و بوتوین در سال ۱۹۷۹ میلادی مطرح شد. این برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می‌دهد که چگونه با استفاده از مهارت‌های رفتار جسورانه، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی در مقابل وسوسه و یا پیشنهاد سوء مصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف بوتوین طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳).

طارمیان (۱۳۸۰)، پژوهشی درباره‌ی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری در نوجوانان را با گروه کنترل نا برابر و با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون انجام داد. یکی از فرضیه‌های اصلی این پژوهش، تأثیر برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر بود. نتایج حاکی از اثبات تأثیر مهارت‌های زندگی بود؛ به این معنی که دانش‌آموزان شرکت کننده در کلاس‌های

1. Bohner
2. Wanke
3. Ercart
4. life skills

آموزش مهارت‌های زندگی نسبت به گروه کنترل نگرش منفی‌تری نسبت به مواد مخدر پیدا کرده بودند.

در تحقیقی که عبد ا.. پور (۱۳۸۷) درباره‌ی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد انجام داد به این نتیجه رسید که مداخله آموزشی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر مؤثر بوده است.

تفکر انتقادی[1] به مثابه یکی از مهارت‌های زندگی، بیشتر به عنوان توانایی افراد متفکر برای به چالش کشیدن تفکراتشان درک می‌شود. این توانایی مستلزم این است که آن‌ها معیارهای خود را برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکراتشان گسترش دهند و به صورت عادی از آن معیارها برای گسترش کیفیت تفکراتشان استفاده کنند (پاول[2] و الدر[3]، ۱۹۹۸). لیپمن[4] (۱۹۹۸) بیان می‌کند که "تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و پاسخگو است که داوری خوب را تسهیل می‌کند زیرا متکی بر ملاک، خود تصحیح کننده[5] و نسبت به شرایط حساس است."

آموزش تفکر انتقادی که یکی از انواع مهارت‌های زندگی است، به منظور بالا بردن سطح ارتقاء بهداشت روان و غلبه یافتن بر ضعف‌های فرد است که گمان می‌رود خطر سوء مصرف مواد را افزایش دهد. آموزش تفکر انتقادی بر بعضی از متغیرهای میانجی‌گر از قبیل شناخت‌ها و نگرش‌های نوجوانان نسبت به مواد مخدرتأثیر دارد.

آموزش مهارت تفکر انتقادی، به تقویت قابلیت‌های ذهنی و شناختی و تفکر مستدل و تیز بینانه نوجوان منجر می‌شود. نوجوان می‌تواند برای حل مسائل پیچیده، اطلاعات حاصل از منابع و دیدگاه‌های مختلف را با هم تلفیق کرده و مورد بررسی قرار دهد تا بواسطه‌ی تجزیه و تحلیل خوب و دقیق، فرضیه‌های متفاوت ساخته و به آزمایش بگذارد و سرانجام

1. Critical Thinking
2. Paul
3. Elder
4. Lipman
5. Self-correcting

به گونه‌ای منتقدانه قضاوت کند (هالپرن[1]، ۱۹۹۸، به نقل از عسگری، ۱۳۸۴). همچنین این آموزش باعث می‌شود که نوجوان با ذهنی باز و با تأمل و تفکر و احترام به نظرات دیگران و روحیه پرسشگری به اطراف خود بنگرد و فریب ترفندهای تبلیغاتی مختلف (علمی، هنری، سیاسی، اجتماعی و..) را نخورد و نگرش عاقلانه و مستدلی نسبت به مسائل پیرامون خود پیدا کند (رفیع زاده، ۱۳۸۴).

مهارت‌های مهم در تفکر انتقادی که به نوجوان در بررسی روایی ادعاها، اظهار نظرها و تبلیغات یاری می‌رسانند به این شرح می‌باشند: ۱- تشخیص بین واقعه قابل اثبات با ادعاهای ذهنی ۲- تشخیص اطلاعات، ادعاها و استدلال‌های معتبر از نامعتبر ۳- تعیین درستی واقعی اظهار نظر ۴- تعیین اعتبار منابع ۵- تعیین ابهام‌های ادعاها و مباحث ۶- مشخص کردن پیش فرض‌های بیان نشده ۷- تشخیص سوگیری‌ها ۸- مشخص کردن خطاهای منطقی ۹- تشخیص ناهمخوانی‌های منطقی در یک استدلال و ۱۰- تعیین نقاط قوت یک بحث یا یک ادعا (بیر[2]، ۱۹۹۵). با عنایت به اینکه نوجوانی دوره تغییرات جسمی، اجتماعی و روانی است و عموماً شامل یک دوره پر فشار در طول دوره طبیعی رشد می‌باشد و فشارهای روانی اضافی، زمینه را برای عملکرد ضعیف نوجوان مهیا می‌کند (پارسخیان[3]، ۲۰۰۷)، اما اگر انسان و مخصوصاً نوجوان مسلح به مهارت‌های زندگی و تفکر باشد، قطعاً از این مشکلات فشار زا به سلامت خواهد گذشت.

با توجه به موارد مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش مهارت تفکر انتقادی، تأثیری بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر خواهد داشت؟

1. Halpern
2. Beyer
3. Parsekhian

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح کلی این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش یک طرح آزمایشی[1] با پیش آزمون و پس آزمون همراه با گروه کنترل است؛ بدین صورت که پس از انتخاب گروه نمونه و انتصاب تصادفی آن‌ها به گروه‌های آزمایشی و کنترل، از هر دو گروه در یک زمان پیش آزمون به عمل آمد.

پس از آن برنامه آموزش تفکر انتقادی در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هر هفته یک جلسه برای گروه آزمایش به اجرا درآمد و برای گروه کنترل هیچ برنامه‌ای اجرا نشد. پس از پایان این مدت به منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد و نتایج پیش آزمون و پس آزمون در هر دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان پسر تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در یکی از دبیرستان‌های شهر یزد در اول دبیرستان مشغول به تحصیل بوده‌اند. هر چند در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی، امکان همتا کردن آزمودنی‌ها به لحاظ سطح اعتیاد پذیری و نوع نگرش نسبت به مواد مخدر وجود نداشت، ولی دانش آموزان از بسیاری جهات از قبیل سن، سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی در یک سطح قرار داشتند. روش نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای بود. بدین صورت که در شهر یزد از میان دبیرستان‌های پسرانه یک دبیرستان، به شکل تصادفی انتخاب شد. بعد از آن لیست کلیه کلاس‌های اول این دبیرستان تهیه و بطور تصادفی دو گروه از بین آن‌ها انتخاب شدند. در نهایت از طریق گمارش تصادفی یک گروه به گروه کنترل و یک گروه به گروه آزمایش تخصیص داده شد. تعداد افراد هر گروه ۲۰ نفر بود. بنابراین، کل آزمودنی‌های ما در این پژوهش در گروه آزمایش و کنترل ۴۰ نفر بودند.

1. experimental design

ابزار

پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مصرف مواد مخدر: این پرسشنامه دارای ۳۴ سؤال است که توسط رحمتی (۱۳۸۳) تدوین شده است. برای هر یک از سوالات سه گزینه که در بردارنده اظهار یا حکم مجزایی نسبت به مواد مخدر و مصرف آن بود نمراتی معادل صفر (نگرش منفی)، یک (نگرش متوسط) و دو (نگرش مثبت) به عنوان ارزش میزانی آن‌ها اختصاص یافت که حداقل نمره هر فرد صفر و حداکثر نمره وی ۶۸ بود.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش سنج نشان می‌دهد که پرسشنامه از ۴ مقیاس نگرش کلی، باورها (شناختی)، هیجان‌ها(عاطفی) و آمادگی برای عمل (رفتاری) تشکیل شده است (رحمتی ،۱۳۸۳).

رحمتی (۱۳۸۳) اعتبار پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مواد مخدر را به دو طریق آزموده است که ضریب اعتبار حاصل از روش باز آزمایی آزمون روی ۱۰۰ آزمودنی و با فاصله یک هفته از اجرای اولیه آزمون برای کل گروه ۰/۸۰ بدست آمد و ضریب اعتبار حاصل از روش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ قبل از اصلاح ۰/۷۳ و بعد از حذف سؤالات ضعیف ۰/۸۰ گزارش شده است.

اعتبار پرسشنامه نگرش سنج توسط محقق نیز با دو روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ محاسبه شد. ۳۰ نفر از دانش آموزان به صورت جداگانه پرسشنامه نگرش سنج را پاسخ دادند. دو هفته بعد همان گروه مجدداً مورد سنجش قرار گرفتند. ضریب اعتبار حاصل از این روش ۰/۷۱ به دست آمد. آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۵ گزارش شد. برای بدست آوردن روایی صوری، پرسشنامه توسط پژوهشگر برای ۵ نفر از اساتید متخصص ارسال شد و در نهایت روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در نمرات پیش آزمون و پس آزمون پرسشنامه نگرش نسبت به مصرف مواد در جدول ۱ ارائه شده است.

نمره بالا در پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد، به معنی نگرش مثبت و گرایش به سوء مصرف مواد می‌باشد. نتایج حاصل نشانگر این مطلب است که میانگین نمرات پس آزمون در گروه آزمایش کاهش یافته است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در گروه آزمایش و کنترل

متغیرها	گروه‌ها	آزمایش		کنترل	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
مؤلفه رفتاری	پیش آزمون	۵/۶۱	۳/۵۳	۴/۰۱	۲/۹۲
	پس آزمون	۲/۲۸	۱/۷۱	۴/۲۲	۳/۴۷
مؤلفه عاطفی	پیش آزمون	۶/۶۷	۳/۵۳	۵/۷۵	۲/۶۵
	پس آزمون	۵/۲۸	۲/۷۱	۵/۹۲	۳/۰۷
مؤلفه شناختی	پیش آزمون	۱۰/۱۱	۳/۵۰	۷/۳۹	۲/۷۲
	پس آزمون	۴/۹۴	۲/۷۳	۶/۸۲	۳/۵۸
نگرش عمومی	پیش آزمون	۴/۸۳	۲/۴۱	۴/۷۵	۲/۸۲
	پس آزمون	۲/۱۱	۱/۹۹	۴/۶۸	۲/۴۷
نمره کلی نگرش	پیش آزمون	۲۷/۲۲	۱۰	۲۱/۹۰	۸/۷۱
	پس آزمون	۱۴/۶۱	۵/۴۵	۲۱/۶۴	۱۱/۱۶

نتایج تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که میانگین پس آزمون گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در کلیه ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری، عمومی و همچنین نگرش کلی کاهش یافته است.

بر اساس جدول ۲، نتایج حاصل از آزمون لون در زیر مقیاس‌ها و مقیاس کلی نگرش نسبت به مواد مخدر معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج حاصل از بررسی شیب خط رگرسیون در هیچ یک از زیر مقیاس‌ها و مقیاس کلی معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲: آزمون تحلیل کواریانس و پیش شرط‌های آن در نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

متغیرها	همگنی واریانس‌ها		همگنی شیب‌ها		تحلیل کواریانس			
	F	سطح معنی داری	F	سطح معنی داری	F	سطح معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
نگرش شناختی	۰/۰۲	۰/۷۵	۱/۰۸	۰/۳۴	۶/۹۴	۰/۰۱۳	۰/۱۲	۰/۶۰
نگرش عاطفی	۰/۱۸	۰/۵۸	۰/۴۲	۰/۴۳	۱/۲۱	۰/۲۷	۰/۰۰۶	۰/۰۷
نگرش رفتاری	۴/۳۳	۰/۰۳۵	۴/۰۹	۰/۰۹	۵/۳۸	۰/۰۲۷	۰/۱۰	۰/۴۳
نگرش عمومی	۰/۴۳	۰/۴۹	۲/۴	۰/۱۸	۲/۹۷	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۳۴
نمره کل نگرش	۰/۳۴	۰/۵۶	۲/۳۸	۰/۱۰۸	۵/۲۲	۰/۰۲۹	۰/۰۹	۰/۴۱

بنابراین، فرض همگنی شیب‌ها در گروه آزمایش و کنترل نیز تأیید می‌گردد. اما نتایج تحلیل کواریانس در نگرش شناختی حکایت از معناداری دارد (F= ۶/۹۴ & P < ۰/۰۵). این بدین معناست که آموزش تفکر انتقادی در کاهش نمره نگرش شناختی اثربخش بوده است. همچنین در زیر مقیاس نگرش رفتاری (F= ۵/۳۸ & P < ۰/۰۵)، نگرش عمومی (F= ۳/۹۷ & P < ۰/۰۵) و کل نگرش (F= ۵/۲۲ & P < ۰/۰۵) اثر بخشی شیوهٔ درمانی در کاهش نمرات به اثبات رسیده است. تنها در زیر مقیاس نگرش عاطفی (F= ۱/۲۱ & P > ۰/۰۵) مداخله اثر بخش نبوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین اثر بخشی برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. نتیجه آزمون تحلیل کواریانس، برای مقایسه میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره مؤلفه عاطفی نسبت به سوء مصرف مواد نشان می‌دهد که F کواریانس در این بعد معنادار نیست. معنادار نبودن

آزمون F به این معنی است که آموزش مهارت تفکر انتقادی نتوانسته است بر مؤلفه عـاطفی نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر بگذارد و آن‌ها را منفی کند.

عدم تأثیر آموزش تفکر انتقادی روی مؤلفه عاطفی می‌توانـد بـه دلایـل مختلفـی باشـد. به نظر محقق، جنسیت پسر بودن آزمودنی‌ها، که منطقی و استدلالی بودن آن‌ها را می‌رساند می‌تواند یکی از عوامل باشد. عامل دیگر آموزش تفکـر انتقـادی اسـت؛ چـرا کـه آمـوزش تفکر انتقـادی احساسـاتی بـودن را رد مـی‌کنـد و روی مـوارد شـناختی و اسـتدلالی تأکیـد می‌کند. مورد سوم را می‌توان اشکال در ابزار دانست. فرهنگ هر منطقه نیز می‌تواند در این مورد مد نظر قرار گیرد.

اما نتیجه آزمون تحلیل کواریـانس، بـرای مقایسـه میـانگین نمـرات پـس آزمـون گـروه آزمایش و کنترل در نمره مؤلفه شناختی و رفتاری و عمومی نسبت بـه سـوء مصـرف مـواد نشان می‌دهد که F کوواریانس معنادار است. معنـاداری آزمـون F بـه ایـن معنـی اسـت کـه آموزش مهارت تفکر انتقادی توانسته است، علاوه بر جنبه رفتاری دانش آمـوزان نسـبت بـه سوء مصرف مواد مخدر بر باورهای غلط و شناخت غیر واقع بینانه دانش آمـوزان نسـبت بـه سوء مصرف مواد مخدر تأثیر بگذارد.

مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های نظری و تجربـی از جهـت تـأثیر مداخلـه آموزشـی (آموزش تفکر انتقـادی) بـر نگـرش‌هـای ویـژه مـواد و ایجـاد تغییـر در آن‌هـا بـا بعضـی از یافته‌های گزارش شده هم سویی دارد.

نتایج پژوهش محمد خانی (۱۳۸۵) نشـان داد کـه آمـوزش مهـارت‌هـای زنـدگی تغییـر معناداری در تمایل نوجوانان به مصرف مواد و عوامل خطر ساز فردی مصرف مواد از قبیـل خود پنداری، مهارت‌های خـود کنترلـی، مهـارت‌هـای اجتمـاعی، کـانون کنتـرل و نگـرش نسبت به مصرف مواد ایجاد کرده است. در پژوهش عسگری (۱۳۸۴) آزمودنی‌هـای گـروه آزمایش پس از دریافـت آمـوزش نقـش‌گـذاری روانـی، تغییـر معنـاداری در تغییـر نگـرش (شناختی، عاطفی، رفتاری) نسبت به مواد مخـدر در مقایسـه بـا گـروه کنتـرل نشـان دادنـد. در پـژوهش رحمتـی (۱۳۸۳) آزمـودنی‌هـای گـروه آزمـایش، بعـد از دریافـت آمـوزش

مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی تغییر معناداری در نگرش (شناختی، عاطفی، رفتاری) نسبت به سوء مصرف مواد در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند و پژوهش توانست نظر آنها نسبت به سوء مصرف مواد را منفی‌تر سازد. باقری (۱۳۸۱) در تحقیق خود دریافت که آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر تأثیر دارد.

در مجموع نتایج کلی پژوهش تأیید دیگری است بر یافته‌های آن دسته از پژوهش‌هایی که اثر بخشی مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت‌های زندگی را به عنوان متغیر مستقل بر پیشگیری از سوء مصرف مواد و متغیرهای مرتبط با آن اثبات نموده‌اند. به طوری که علاوه بر شواهد یاد شده، بوتوین، گریفین[1]، دیاز[2]، ایفیل-ویلیامز[3] و اپستین[4] (۲۰۰۱) داده‌اند که اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و برنامه‌های ارتقاء بخشی صلاحیت و مقاومت اجتماعی توانسته است بر نگرش‌های مرتبط با سوء مصرف مواد به عنوان یکی از متغیرهای میانجی گر مهم در رفتار سوء مصرف مواد اثرات معناداری بر جای بگذارد. هم چنین بوتوین، گریفین، پل[5] و ماکولاری[6] (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی و صلاحیت فردی و اجتماعی عمومی به دانش آموزان، می‌تواند بر نگرش ضد مواد و رفتار سوء مصرف اثرات معنادار بر جای بگذارد. هم چنین بخشی از تأثیر برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش هم سو با دیدگاه ایوانز و همکاران می‌باشد (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳). آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و مجهز کردن نوجوانان به مهارت‌های ضروری و مورد نیاز به منظور شناسایی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه سازی آنها از فنون تبلیغاتی و متقاعد سازی رسانه‌ها و آماده کردن آن‌ها برای مقابله با

1. Griffin
2. Diaz
3. Ifill-Williams
4. Epstein
5. Paul
6. Macaulary

فشارهای مستقیم و غیر مستقیم همسالان، بر همبسته های روان شناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش‌های آنان تأثیر می‌گذارد.

بر اساس نظر آجزن که سوء مصرف مواد را متأثر از سه سازه (نگرش‌ها، هنجارها و کنترل رفتاری ادراک شده) می‌داند، مداخله آموزشی می‌تواند موقعیتی ایجاد کند که نوجوان به ابزار تفکر نقادانه و منطقی دست یابد و در برابر فشارهای اجتماعی برای مصرف مواد، توانایی مقاومت داشته و رفتار خود را کنترل کند (آجزن[1] و فیش بین ۱۹۸۰). بدین ترتیب، نتایج حاصل از انجام پژوهش حاضر، علاوه بر هماهنگی با چارچوب‌های نظری موجود، از همراهی و حمایت بعضی از پژوهش‌های تجربی از قبیل رحمتی (۱۳۸۳)؛ بوتوین و همکاران (۲۰۰۳)؛ محمد خانی (۱۳۸۵) و عسگری، (۱۳۸۴) برخوردار است. این پژوهش می‌تواند هم موید جهت‌گیری نظام‌های آموزش و پرورش رسمی به سمت توسعه مداخلات آموزشی پیشگیرانه از سوء مصرف مواد مخدر در بین کودکان و نوجوانان دانش‌آموز باشد و هم می‌تواند به منزله یک پشتوانه پژوهشی در جهت تأکید بر ضرورت و اثر بخشی مداخلات آموزشی محسوب شود. خصوصاً آن دسته از مداخلات آموزشی که هدف آن‌ها آموزش مهارت تفکر انتقادی برای مصون سازی روانی و ذهنی دانش آموزان در مقابل سوء مصرف مواد مخدر و سایر مواد غیر مجاز است.

با توجه به این شرایط ، به نقش مدارس به عنوان مرکزی مهم و حیاتی برای پیشگیری از این آسیب و آسیب‌های دیگر توجه ویژه‌ای شده است. در برنامه‌های مربوط به پیشگیری از اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر در مدارس، برنامه‌های آموزشی جایگاه ویژه‌ای دارد. این برنامه‌ها با هدف کاهش تقاضا یعنی ایجاد نوعی مصونیت ذهنی و روانی در برابر سوء مصرف مواد مخدر تدوین و اجرا می‌شوند. از جمله موضوعاتی که می‌تواند محور آموزش در کلاس درس قرار گیرد، آموزش مهارت تفکر انتقادی است. با آموزش مهارت تفکر انتقادی می‌توانیم دانش آموزانی پرورش دهیم که هیچ نظر و مطلبی را بی‌چون و چرا نپذیرند و اعمال و رفتار و حرف‌های افراد جامعه (الگوها) را تحلیل و ارزیابی کنند.

1. Ajzen

پژوهش حاضر گامی در جهت درک و فهم و پیشگیری از عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با مصرف مواد در نوجوان است و نتایج قابل قبولی براساس یافته‌های تحقیق، برای پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان ارائه می‌دهد و نشان داد که برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر ارتقاء توانمندی فردی و اجتماعی، در پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان بسیار مؤثرند. برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی، یک برنامه پیشگیری اولیه متمرکز بر فرد است و هدف اصلی آموزش این برنامه، ایجاد تغییر در عوامل فردی و روان شناختی مؤثر در گرایش نوجوانان به شروع مصرف مواد محسوب می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق، آموزش مهارت تفکر انتقادی به دانش آموزان برای تغییر نگرش آن‌ها نسبت به مواد مخدر و پیشگیری از مصرف مواد امری ضروری است.

این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی همراه بود که مهم‌ترین آن عدم امکان همتا کردن شرکت کنندگان گروه آزمایش و کنترل از نظر نوع نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر قبل از اجرای برنامه آموزشی بود. بنابراین، به منظور بالا بردن کیفیت چنین پژوهش‌هایی پیشنهاد می‌شود قبل از اجرا، افراد از نظر نوع متغیر مورد مطالعه همتا شوند تا همه افراد در یک سطح قرار داشته باشند و با انگیزه بیشتری در پژوهش مشارکت کنند. در صورت وجود امکانات، بهتر است این پژوهش در نمونه‌های بزرگتر و مناطق و شهرهای مختلف اجرا شود تا امکان تعمیم آن به جوامع مختلف وجود داشته باشد. همچنین بعد از اجرای برنامه به فواصل زمانی شش ماه، یک سال و دو سال پیگیری انجام شود تا میزان ثبات نگرش و سطح اعتیاد پذیری در شرکت کنندگان مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود که الگوی مداخله آموزشی به صورت آزمایشی در تعدادی از مدارس اجرا شده، سپس نتایج آن مورد مقایسه، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. همچنین کارگاه‌های آموزشی توسط متخصصان این امر برای آشنایی مدیران، دبیران، والدین و دانش آموزان با ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی برگزار شود و رسانه‌های گروهی هم به آموزش و اشاعه و ترویج این مهارت در تمام سطوح جامعه بپردازند.

منابع

باقری، منصوره (۱۳۸۰). **نقش آموزش مهارت‌های زندگی در دانش، نگرش و عزت نفس دانش آموزان مقطع راهنمایی.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

برقی، فتانه (۱۳۸۱). **سنجش اعتیاد پذیری دانش آموزان دبیرستان‌های تهران به منظور شناسایی افراد مستعد سوءمصرف مواد.** پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

رفیع‌زاده تفتی، فاطمه (۱۳۸۴). **بررسی میزان آشنایی دبیران شهرستان تفت با تفکر انتقادی.** پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.

رئیسی، امر ا... (۱۳۸۲). **بررسی علل میزان و شیوع بزهکاری (فرار از منزل و استفاده از مواد مخدر) در بین دانش آموزان استان چهار محال و بختیاری.** مرکز تحقیقات فرهنگیان استان قم.

رحمتی، عباس (۱۳۸۳). **تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به شیوه بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر.** پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

شورای نویسندگان [کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد] (۱۳۸۲). **اعتیاد پیشگیری یا درمان؟** یزد: نیکو روش.

طارمیان، فرهاد (۱۳۸۰). **بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان سال اول راهنمایی.** دفتر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر.

عبد ا... پور، مرتضی (۱۳۸۷). **اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد.** پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

عسگری، امین (۱۳۸۴). **تأثیر نقش گذاری روانی (سایکودرام) بر تغییر نگرش دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهر خرم آباد نسبت به اعتیاد.** پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

محمد خانی، شهرام (۱۳۸۵). **مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر عوامل میانجی مصرف مواد.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

Ajzen, I. and Fishbein, M. (1980). **Understanding attitude and predicting social behavior.** Englewood Cliffs, NJ; Prentice – Hall.

Beyer, B. K. (1995). **Critical thinking.** Phi Delta Kappa Education Foundation, (pp. 8). Indiana: Bloomington.

Bohner, G. Wanke, M. (2002*).* **Attitude and Attitude, Chancge**. USA.Psychology Press.

Botvin, G., Griffin, K. W., Diaz, T., Ifill - Williams, C. & Epstein, J. A. (2001). Preventing binge drinking during early adolescence: One– and two– year follow– up of a school– based Preventive intervention. **Psychology of Addictive Behaviors,** 15, 360-365.

Botvin, G., Griffin, K. W., Paul .E., & Macaulary. A. P. (2003). Preventing tobacco and alcohol use among elementary school students thrugh skills Training. **Journal of child & Adolescent Substance Abuse.**

Eiser. R. Staphen. J., & Mallary, W. (1978). Can Tv influence Drug abuse? **British journal of addiction.**

Fishbein, M. (1967**). Reading in Attitude Theory and Measurement.** John Wiley and Sons. Inc.

Lipman, M. (1988). Critical Thinking– What can it be? **Educational leadership,** 46, 1,38-43.

Parsekhian, Adik. (2007). **The Relationship Among Substance Abuse, Education, Parental Attitude, History of Physical Abuse, Social Support, And Child Abuse by Adolescent Mothers.** In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Social Work. California State University, Long Beach.

Paul, R, and Elder. (1998). Critical Thinking:why we must transform our teaching. **Jornal of Development Education.**